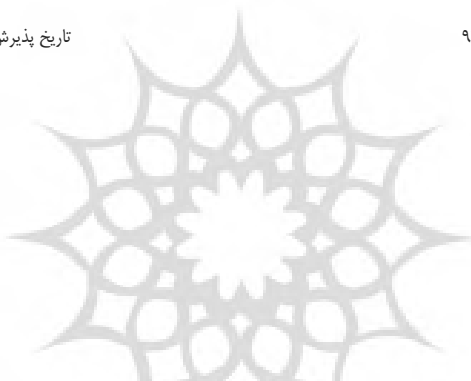


بررسی تغییرات کالبدی و فضاهای جدید مسکن در روستا - شهرها (مطالعه موردی: روستا-شهر ده چشمه؛ شهرستان فارس)

اسکندر صیدایی - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
حجت اله صادقی^۱ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، ایران.
معصومه فدایی - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۹



چکیده

مسکن روستایی یکی از ساختارهای اساسی در بافت روستایی است که شکل، بافت و کیفیت آن تحت تأثیر نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی می‌باشد. از طرف دیگر تغییرات ساختاری و کارکردی در محیط روستایی به هم وابسته است و تغییر در یک جز، دیگر اجزا روستا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مسکن نیز به عنوان جزئی از سیستم روستا با توجه به تغییرات ساختاری و کارکردی می‌تواند الگوهای جدید را پذیرا شود و بافت یک روستا را به بافت روستا-شهری تبدیل نماید. هدف این تحقیق بررسی تغییرات کالبدی جدید مسکن در روستا-شهرها به صورت مطالعه موردی در روستا-شهر ده چشمه در شهرستان فارس است. روش تحقیق بر مبنای هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی-تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شده است. جمع‌آوری داده‌های میدانی از طریق تکنیک پرسش‌نامه و مصاحبه بوده است. جامعه آماری ۱۳۰۰ خانوار بوده که با استفاده از فرمول کوکران ۲۲۱ خانوار با میزان خطای ۰/۰۶ به عنوان تعیین و مطالعه گردید. نتایج نشان داد که روند تغییرات الگوی جدید مسکن نسبت به قبل در انواع کاربری‌ها نظیر وسعت کلی بنا، شکل فضاها، تعداد اتاق‌ها، فضاهای جدید بنا مثل هال، پارکینگ، و وضعیت بنا نسبت به فضاهای عمومی (میدان و معابر) به صورت افزایشی می‌باشد و همچنین مساحت کاربری‌های مختلف مسکن جدید مثل اتاق نشیمن، اتاق خواب، آشپزخانه و سرویس بهداشتی و... مطلوب و مورد دلخواه خانوار می‌باشند. با توجه به نتایج بدست آمده الگوی جدید مسکن با نیازهای زیستی و معیشتی خانوار تطابق و سازگاری دارد و روستاییان از الگوی جدید مسکن از قبیل بافت مسکونی محله، مساحت و شکل محله و مسکن و همچنین متناسب بودن با نیازهای زیستی و معیشتی رضایت دارند.

واژه‌گان کلیدی: تغییرات کالبدی، مسکن، روستا-شهرها، ده چشمه.

۱. مقدمه

بین طبیعت و نگرش انسان یک پیوند ناگسستنی وجود دارد. بگونه‌ای که طبیعت و امکانات آن در کنار دانش نسل‌های متمادی و نیز شیوه نگرش روستاییان به طبیعت، ویژگی‌های خاصی را در معماری روستایی پدید آورده است (زرگر، ۱۳۸۳: ۱۳). یکی از اجزا مهم در معماری روستاها، مسکن و خصوصیات وابسته به آن است. از سال‌ها پیش مسکن به عنوان یکی از عوامل مهمی شناخته شده است که می‌تواند بر زندگی بشر اثر مستقیم بگذارد (Bonnefoy, 2003: 411). در واقع یکی از عناصر مهم در فضای روستاها مقوله مسکن می‌باشد که بعنوان نمادی از چگونگی تعامل و ارتباط انسان با محیط طبیعی پیرامون خویش است، که در طی سالیان متمادی برحسب شرایط زمانی-مکانی در هر منطقه شکل گرفته و به نوعی نشان دهنده نوع فعالیت‌ها در ابعاد اقتصادی، نگرش اجتماعی-فرهنگی روستاییان، چگونگی تحول و استفاده از تکنولوژی و نهایتاً سطح درآمد و معیشت ساکنان آن می‌باشد (شمس الدینی، ۱۳۸۷: ۴۴). وضعیت محیطی و اجتماعی درون واحدهای مسکونی خصوصی و محله‌های زندگی بر روابط انسانی تاثیر می‌گذارد و می‌تواند اثر مثبت و منفی بر کیفیت زندگی و رفاه خانواده و فرد بگذارد (Lawrence, 2010: 145). بر این اساس روستاها با توجه به ماهیت خویش و متناسب با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و به ویژه محیط جغرافیایی که در آن واقع شده‌اند، دارای ساماندهی درونی و کالبدی خاص در زمینه نوع سکونت و شیوه‌های متفاوت در نوع معیشت و زندگی می‌باشند و همگام با ضرورت‌های تاریخی و نیاز ساکنان آن برای مدت‌های کم و بیش طولانی، رشد، حیات و در نهایت تحول یافته‌اند (قاسمی اردهائی، ۱۳۹۱: ۶۸). در دهه‌های اخیر در ساختار و کارکرد مسکن روستایی تغییرات شگرفی پدید آمده است. آنچنان که کارکرد و نقش مسکن که در ارتباط با معیشت و فعالیت اقتصادی خانواده بوده از بین رفته و در برخی موارد پاسخگوی نیاز جامعه روستایی نمی‌باشد (موسوی و صالحی، ۱۳۸۴: ۲۸).

مسکن در برآوردن هر یک از نیازهای اساسی انسان همچون نیازهای زیستی، نیازهای اقتصادی، نیازهای اجتماعی، نیازهای کالبدی و... نقش ویژه‌ای دارد. تغییر در هر یک از این موارد، تحول الگوی مسکن را به دنبال دارد. با توجه به مطالب فوق و اهمیت بحث مسکن و الگوهای آن، امروزه تغییرات کالبدی و فضایی زیادی در روستاها شکل گرفته و یا در حال شکل‌گیری است. این تغییرات در سطح کلان نتیجه تغییرات حاصل از نظام جهانی و در معنای کوچک تر نتیجه تغییرات ساختاری و کارکردی مسکن روستایی است. بسیاری از روستاها در نتیجه این تحولات و به دلایل مختلف دیگر از جمله تغییر کارکردی از لحاظ اقتصادی، الگوهای جدید مسکن را پذیرا می‌شوند. که این تغییر کارکردی باعث از دست دادن هویت روستایی و تبدیل بافت آن به نقطه شهری و یا نزدیک شدن به شهر یعنی روستا - شهر می‌شود.

روستای ده چشمه در شهرستان فارس از این نمونه روستاها است که بدلیل اهمیت یافتن گردشگری آن و در واقع تغییر کارکرد اقتصادی بدلیل گردشگری، تغییرات زیادی را از لحاظ فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی به خود دیده است. این تغییرات ساختاری و کارکردی مکمل همدیگر می‌باشند. بگونه‌ای تغییر در کارکرد آن (گردشگری) تغییر در بسیاری از ساختارها را به همراه داشته و آن را تبدیل به یک نقطه روستا - شهر نموده است. یکی از این ابعاد تغییر، الگوهای جدید مسکن در این مکان است بگونه‌ای که از لحاظ پارامترهایی مانند کاربری‌ها، مساحت، بافت روستایی، امکانات و... تحولات بسیاری را به خود دیده و به صورت یک نقطه شهری با امکانات خاص تبدیل شده است. بررسی تغییرات مسکن از نظر ویژگی‌های مختلف با توجه به تاثیرگذاری بحث گردشگری و تغییر کاربری‌ها یک ضرورت بشمار می‌رود. در این تحقیق سعی می‌شود که بررسی تغییرات کالبدی و فضاهای مسکن در روستا - شهرها بصورت مطالعه موردی در روستا - شهر ده چشمه انجام گیرد. این بررسی می‌تواند یک بینش کلی را در زمینه تغییرات مسکن در روستا - شهرهای بیان نماید و در واقع نتایج آن قابل تعمیم به موارد همانند است.

بنابراین سوال کلی تحقیق را می‌توان اینگونه بیان نمود که آیا مسکن روستاها - شهرها (ده چشمه) تغییرات زیادی را در ابعاد مختلف کاربری‌ها، مساحت، تامین نیازها و... به دنبال داشته است؟

۲. مروری بر ادبیات موضوع

۲-۱. پیشینه تحقیق

سعدی (۱۳۷۳) در مطالعه خود تحت عنوان الزامات اجتماعی - اقتصادی در ساخت و ساز مسکن روستایی معتقد است در یکی دو دهه اخیر، با توجه به گسترش ارتباطات و وسایل حمل و نقل و جابجایی و تحرک جمعیت، دگرگونی‌های دامنه‌اری نه تنها در کاربرد مصالح ساختمانی پدید آمده، بلکه تا حد قابل توجهی شیوه‌های ساخت و ساز و الگوی متفاوت و عمدتاً شهرگونه جایگزین گونه‌های سنتی خانه‌های روستایی شده است. قنبری (۱۳۷۴) در پژوهشی تحت عنوان تحلیلی بر تغییر الگوی مسکن روستایی شمال ایران، نمونه موردی شهرستان تنکابن به این نتیجه رسیده است که امروزه خانه‌هایی که در روستاهای شمال ایران ساخته می‌شوند با خانه‌های بومی و سنتی کاملاً تفاوت دارند. امروزه به نام نامعقول بودن مصالح بومی (چوب، خشت و سنگ) از مصالح غیر بومی (آجر، تیر آهن و...) استفاده می‌شود. به طوری که دیوارهای جانبی ساختمان برای مدت طولانی پوشش ندارد. مساحت خانه‌ها نسبت به گذشته کاهش محسوسی پیدا کرده است و از دست دادن هویت فرهنگی و بومی مردمان در این مناطق با ایجاد این شکل از خانه نتیجه تغییر الگوی مسکن است. در مطالعه قاسمی اردهائی (۱۳۸۷) وضعیت مسکن روستایی در شاخص‌های مساحت زیربنای مسکن، تعداد اتاق، دوام واحد مسکونی و تسهیلات مسکن در رابطه با مسکن شهری مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به نتایج سطح زیربنای در اختیار خانوار در جوامع روستایی ۸۳ متر مربع و در جوامع شهری ۱۰۱ متر مربع است. بررسی روستا-شهر از لحاظ نوع اسکلت بنای محل سکونت نشان می‌دهد در جوامع روستایی ۷/۳ درصد مسکن دارای اسکلت فلزی و بتون آرمه هستند در حالی که در جوامع شهری ۳۲/۶ درصد مسکن دارای اسکلت فلزی و بتون آرمه هستند. همچنین رابطه محل سکونت خانوار با تک تک تسهیلات خانوار با احتمال ۹۹/۹ درصد معنی دار است. بهرامی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی استان کرمانشاه و رهیافت‌هایی برای مقاوم سازی به این نتیجه رسید که مناطق روستای استان کرمانشاه در سال ۱۳۸۵ تعداد ۱۷۷۷۹ واحد مسکونی کمبود داشته است. از نظر استحکام ۴۳/۸ درصد مسکن روستایی بادوام، ۳۳/۹ درصد کم دوام و ۲۲/۲ درصد بی دوام هستند. یافته‌ها نشان داد که قدمت ساخت مسکن روستایی بیش از ۲۵ درصد از واحدهای مسکونی دارای قدمتی بیش از ۲۵ سال دارند. فاضل‌نیا و همکاران (۱۳۹۰). به بررسی انطباق الگوی بومی توسعه کالبدی - فیزیکی روستای تمبکاء شهرستان زابل با جهت حرکت طوفان های شن و ماسه پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که الگوی بومی - محلی همسازی و تطبیق بیشتری در جهت کاهش آسیب شن و ماسه‌های روان پیدا نموده است. به طوری که در ۶ ماه اول سال ۱۳۸۹ بافت جدید روستا، ۶۹ مترمکعب انباشت ماسه داشته است، اما در قسمت هایی از سطح روستا که تجربیات بومی لحاظ گردیده میزان خسارات شن و ماسه کاهش یافته است. گلپایگانی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان طرح مسکن روستایی و تاثیر آن بر شاخص‌های بهداشتی و ایمنی مسکن به این نتیجه رسیدند که وضعیت دیوارها، کف و سقف اتاق‌ها در خانه‌های جدید از نظر بهداشتی بالاتر از ۹۷ درصد می‌باشد. وضعیت کاربری‌های مختلف مسکن از جمله اتاق‌ها، آشپزخانه در مسکن جدید مطلوب تر از خانه‌های سنتی هستند، ولی وضعیت سرویس‌های بهداشتی در هر دو مورد تفاوتی نداشته است. مطالعه انجام شده بهبود نسبی در وضعیت شاخص‌های خانه‌های طرح مسکن روستایی را نسبت به خانه‌های سنتی نشان می‌دهد هر چند با وضع مطلوب فاصله زیادی دارد.

۲-۲. مبانی نظری

سکونتگاه‌های روستایی به عنوان یک نظام به هم پیوسته، متشکل از اجزا و عناصری مرتبط با یکدیگر که از کنش متقابل نیروها و عوامل محیطی شکل گرفته، دارای ساختار و کارکردهای معینی می‌باشد که در گذر تحولات و رخداد‌های پیش آمده متأثر از نیروها و روندهای درونی و بیرونی حاکم بر عرصه‌های روستایی، دچار تغییرات و دگرگونی‌های اساسی

در بافت و کالبد فضایی خود شده و برای آنکه بتوانند به حیات و رشد خود ادامه دهند، نیازمند همگامی و هماهنگ شدن با تحولات پیش آمده در دیگر عرصه‌های سکونت‌ی جامعه و به روز کردن شرایط زیست و محیط سکونتگاهی خود با تکنولوژی، شرایط اجتماعی-اقتصادی و محیط تغییر یافته پیرامون خود می‌باشند (قاسمی اردهائی و رستمعلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۲). مسکن روستایی یکی از این اجزا مهم از لحاظ کالبدی - اجتماعی به شمار می‌رود. عبارت دیگر مسکن کوچکترین عنصر هر سکونتگاه را تشکیل می‌دهد و می‌تواند یک بادگیر ابتدایی، آلاچیق یا کلبه ساده باشد. مسکن زائیده مهم‌ترین نیاز انسان‌ها و یکی از پدیده‌های جغرافیایی هر منطقه است (بشیری و دیگران، ۱۳۸۸: ۲). مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، مجموع محیط مسکونی را نیز در بر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای به زیستن خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است (دلایل پور محمدی، ۱۳۷۹: ۳). به عبارت دیگر مسکن چیزی بیش از یک سر پناه صرفاً فیزیکی است و کلیه خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای بهزیستن انسان را شامل می‌شود و باید حق تصرف طولانی و مطمئن برای استفاده کننده‌ی آن فراهم باشد (Knapp, 1984: 35).

مسکن و الگوهای آن از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه می‌باشند. مسکن از دیدگاه اقتصادی نوعی کالا و سرمایه؛ از دیدگاه هنری نوعی نماد؛ از دیدگاه جامعه‌شناسی نهاد؛ از دیدگاه شهرسازی فضا و از دیدگاه انسان شناختی نوعی فرهنگ است که تمام ابعاد را در بر دارد (فاضلی، ۱۳۸۶: ۶۳). از دیدگاه جغرافیایی تعامل بین انسان و محیط را تبیین می‌کند. بنابراین درک وجوه مسکن، الگوهای بهینه و جایگاه آن در نظام روابط اجتماعی مردم و جامعه نیز با در نظر گرفتن تمامی وجوه نمادین، نهادین، مادی و زیباشناسانه فرهنگ مسکن امکان پذیر است.

اهمیت مسکن روستایی و بافت‌های بارز روستاها در ساخت و سازهای جدید، مساله طراحی الگوی مسکن روستایی را موجب شده است (شفایی و مدنی، ۱۳۹۰: ۱۷). دستیابی به الگوهای بهینه‌ی مسکن روستایی صرفاً یک فرآیند فیزیکی نیست، بلکه مطالعه‌ی چند وجهی است. بخشی از این مطالعات ساختارهای کلان محیطی، جغرافیای و ریشه‌های تحولات می‌باشد (کلهرنیا، ۱۳۸۷: ۸). به همین دلیل مسکن در روستاها، علاوه بر پاسخ‌گویی به نیاز سکونت و تامین امنیت و حریم خانوار، حلقه‌ای از نظام تولیدی روستا را نیز در بر می‌گیرد و به گونه‌ای متقابل با آن پیوند دارد (لطیفی و معتمدیان، ۱۳۸۵: ۷). از لحاظ کالبدی- اجتماعی، توجه به فرهنگ روستا و روستانشینی و شیوه معیشت روستاییان در طراحی نقشه‌های خانه‌ها نقش مهمی دارد. عدم توجه به این موضوع از مشکلاتی است که امروزه می‌تواند در بافت روستاها آن را مشاهده نمود. معماری که میل به تجمل‌گرایی در بین روستاییان رواج می‌دهد، با فرهنگ ساده زیستی روستایی همخوانی ندارد. همچنین این مساکن باعث به هم ریختن فضای کالبدی و یک دست روستاها می‌شود. علاوه بر این ساختار اقتصادی روستاییان دارای ارتباط مستقیم با مساحت، تعداد طبقات، مصالح و میلان فضاهای مسکونی است و حتی شغل ساکنین یکی از عوامل تاثیرگذار در چیدمان فضایی خانه‌های روستایی و نوع مسکن می‌باشد (Hashem & Molanaei, 2009: 22).

لذا بدون تردید مسکن اهمیت بنیادی در رشد انسان‌ها دارد. سازمان ملل در بیانیه جهانی حقوق بشر عنوان می‌کند که هر کسی برای دستیابی به یک سطح استاندارد مناسب زندگی برای سلامتی خود و خانواده‌اش حقی دارد. این سطح استاندارد مناسب برای زندگی از نظر سازمان ملل شامل غذا، لباس، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی لازم است (Choguill, 2007: 143). لذا در این سطح استاندارد سازمان ملل، مسکن نیز گنجانده شده است. یکی از راه‌های مهم آگاهی از وضعیت مسکن در فرآیند برنامه‌ریزی روستایی، استفاده از شاخص‌های مسکن است (عزیزی، ۱۳۸۴: ۳۲). این شاخص‌ها از یک سو بیانگر وضعیت کمی و کیفی مساکن روستایی در هر مقطع زمانی بوده و از سوی دیگر راهنمایی موثر جهت بهبود بخشی برنامه‌ریزی مسکن برای آینده می‌باشد (ستارزاده، ۱۳۸۸: ۵۷). شاخص‌های مسکن در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و کالبدی قرار می‌گیرند. آنچه در این تحقیق به دنبال بررسی آن هستیم، شاخص‌های کالبدی روستا - شهرها می‌باشد. شاخص‌های کالبدی مسکن روستایی شامل سطح

زیربنای واحدهای مسکونی شهری، مساحت زمین واحد مسکونی؛ مساحت فضاهای زیستی و معیشتی، تعداد اتاق موجود در واحدهای مسکونی، دوام مصالح، عمر بنا و نسبت سطح اشغال از مهمترین شاخص‌های کالبدی به شمار می‌رود. چارچوب نظری این تحقیق از نظریه تطور استفاده شده است. تطور تاریخی جوامع انسانی بر مبنای تطور در شیوه معیشت، الگوهای مختلف زندگی، تغییرات فرهنگی، کالبدی و... از موضوعاتی است که همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است. بعنوان نمونه در نیمه دوم قرن نوزدهم، مفهوم تطور یا تکامل در بیان اشکال مختلف توسعه زندگی انسان‌ها از لحاظ زیستی و اجتماعی مورد توجه بوده است (غفاری و ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۲۶).

تطورپذیری و پویایی یکی از ویژگی‌های سکونتگاه‌های انسانی می‌باشد که در فضا و طی روندهای زمانی به مدد تبدلات تغییر شکل‌ها و نقل و انتقالات صورت می‌پذیرد و همواره خود را به صورت جابجایی جمعیت، انتشار و اشاعه فرهنگ، جریان کالا، انرژی، اطلاعات و سرمایه نشان می‌دهد. در مجموع عوامل کلی در تغییر ریخت و بافت کالبدی روستاها و مسکن روستایی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود. تغییر در نحوه مالکیت اراضی؛ ورود تکنولوژی به روستاها؛ تغییر نظام خانواده؛ مجاورت مکانی روستاها به شهر؛ اجرای طرح‌های هادی و بهسازی محیط‌های روستایی به تقلید از فضای شهری؛ غلبه فرهنگ و الگوی زندگی و معیشت شهرنشینی در روستاها (طالب و عنبری، ۱۳۸۴: ۵۰). با این حال ارتباط روز افزون میان شهر و روستا، تغییر الگوی سنتی زندگی و مسکن، تغییر در نوع مصالح مسکن، تقلید از ظواهر شهری و... از جمله مشکلاتی است که به تخریب ارزش‌های کالبدی و البته غیرکالبدی روستاها منجر شده است. این تحقیق نیز با توجه به اینکه ویژگی‌های کالبدی - اجتماعی مسکن روستایی را از ابعاد مساحت، تغییر کاربری‌ها، اضافه شدن کاربری جدید با توجه به تغییر در ساختار اقتصادی و... مورد توجه قرار می‌دهد؛ چرا که این تغییرات یک نوع تکامل را طی کرده و یکسری نگرش‌ها، تغییر ساختارها و... در طول زمان بر این روند تاثیرگذار بوده است. لذا این تغییر و تحولات را می‌توان در چارچوب نظریه تطور و تکامل مورد توجه و بررسی نمود.

۳. روش شناسی تحقیق

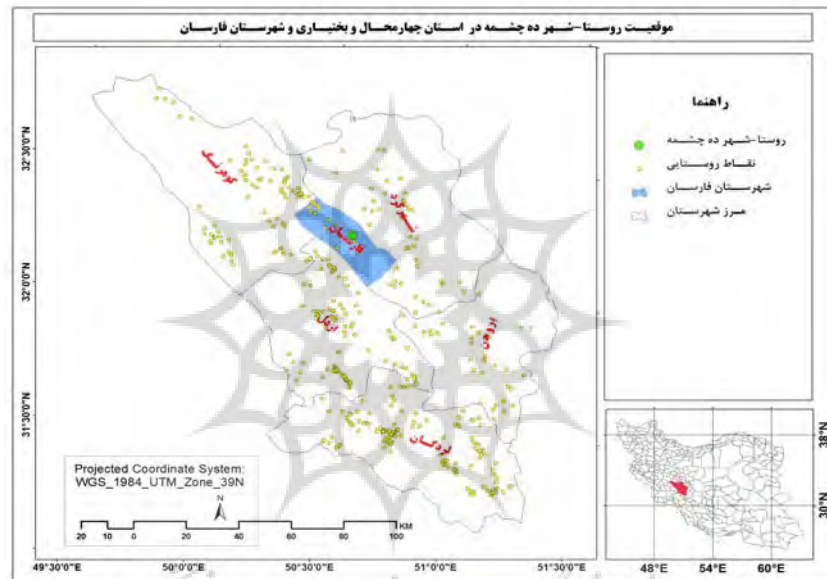
تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش منابع اسنادی و مطالعات میدانی (پیمایشی)، استفاده می‌شود. مطالعات میدانی مبتنی بر تکنیک‌های رایج یعنی پرسش‌نامه و مصاحبه با مردم روستا - شهر مورد مطالعه است. تعداد خانوار روستا - شهر ده چشمه، ۱۳۰۰ خانوار می‌باشد. با توجه به حجم جامعه آماری و عدم دسترسی و زمان گیر بودن، نمی‌توان تمامی جامعه را مورد پرسش قرار داد. لذا بر اساس فرمول کوکران، نمونه آماری مناسب به تعداد ۲۲۱ خانوار انتخاب و پرسش‌گری در سطح خانوارهای روستایی انجام گرفت. در نهایت داده‌ها پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل و استنتاج قرار گرفتند. در بخش آمار استنباطی از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده گردید.

متغیرهای تحقیق عبارت‌اند از: متغیرهای تحقیق در چند شاخص تغییرات کاربری - کالبدی مسکن، وضعیت مساحت کاربری‌های مختلف مسکن، تطبیق مسکن جدید با نیازهای تولیدی - اقتصادی، تطبیق مسکن جدید با نیازهای زیستی، وضعیت مسکن جدید از لحاظ امکانات و کیفیت و رضایت‌مندی روستاییان از الگوی جدید مسکن گنجانده شده است.

۴. محدوده مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه (روستا - شهر ده چشمه) در استان چهارمحال و بختیاری و در شهرستان فارس و در موقعیت جغرافیایی ۳۲ درجه، ۱۳ دقیقه و ۱۴ ثانیه عرض شمالی و در طول جغرافیایی ۵۰ درجه، ۳۳ دقیقه و ۱ ثانیه غربی قرار دارد. این نقطه روستا - شهری در بخش مرکزی شهرستان فارس و در دهستان میزدج علیا قرار دارد و براساس سرشماری

مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، جمعیت آن ۵۴۰۰ نفر (۱۳۰۰ خانوار) بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). لازم به ذکر است روستای زیبای ده چشمه یکی از روستاهای توریستی و گردشگری ایران و استان چهارمحال بختیاری می‌باشد. یکی از دلایل اصلی تغییر در بافت، تحولات فضایی - مکانی و همچنین کالبدی در آن نیز به مساله گردشگری و ورود گردشگران به آن مربوط می‌شود که در طول زمان ابعاد فیزیکی، فرهنگی، اقتصادی و... این مکان تحت تاثیر گردشگری قرار گرفته است. نکته مهم دیگر اینکه دلیل اهمیت این مکان در بحث گردشگری، طی دهه اخیر این مکان حالت روستایی خود را از دست داده و تقریباً از هر لحاظ به یک نقطه با خصوصیات شهری تبدیل شده است. در واقع بعنوان یک نقطه روستا - شهری شناخته می‌شود؛ چرا که از یک طرف برخی ویژگی‌های و ساختارهای روستایی هنوز در آن مشاهده می‌شود و از طرف دیگر برخی ویژگی‌های شهری نیز در آن بروز کرده است. از جمله تغییرات اساسی که در چشم‌انداز اولیه آن می‌توان مشاهده نمود، الگوهای جدید مسکن و ساخت و سازهای با ساختار و کارکردهای متفاوت تر می‌باشد که در این تحقیق، این تغییرات و کاربری‌ها مدنظر قرار می‌گیرد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی روستا - شهر ده چشمه

۵. یافته‌ها

۵-۱. یافته‌های توصیفی

مسئلاً ویژگی‌های افراد پاسخ دهنده در نتایج تحقیقات تأثیر زیادی دارد. برای نمونه در صورتی که افراد در سطح تحصیلات بالایی باشند، با آگاهی بالاتری به سوال‌های جواب می‌دهند. بر این اساس از نمونه مطالعه شده ۸۵ نفر معادل ۳۵/۴ درصد مرد و ۱۳۶ نفر معادل ۵۶/۷ درصد زن می‌باشند. همچنین از نظر فعالیت و شغل ۶۱ نفر کشاورز (۲۵/۴ درصد)، ۸ نفر در بخش صنعتی (۳/۳ درصد)، ۶۲ نفر خدمات (۲۵/۸ درصد)، ۶۰ نفر بخش اداری - خدماتی (۲۵ درصد) و ۳۰ نفر در دیگر مشاغل (۱۲/۵ درصد) فعالیت دارند. از لحاظ تحصیلات نیز ۱۹ نفر (۷/۹ درصد) دارای مدرک ابتدایی، ۵۲ نفر (۲۱/۷ درصد) مقطع راهنمایی، ۳۰ نفر (۸/۳ درصد) مقطع متوسطه، ۱۰۴ نفر (۴۳/۳ درصد) دیپلم، ۶ نفر (۲/۵ درصد) فوق دیپلم و ۳۰ نفر (۸/۳ درصد) لیسانس به بالا ۲۰ می‌باشند. به طور کلی ویژگی‌های افراد پاسخ دهنده از نظر جنس، شغل و سطح تحصیلات، مناسب و به صورت برابر توزیع شده است. این موضوع در نتایج تحقیق بسیار مؤثر می‌باشد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ۱۰۲ نفر وسعت کلی بنا را خوب ارزیابی کردند و ۴۷ نفر خیلی خوب دانستند. ۱۲۴ نفر شکل فضای خانه مسکونی خود را خیلی خوب دانسته و ۵۹ نفر تعداد اتاق‌های خود را خوب و ۶۷ نفر متوسط انتخاب کرده‌اند و ۱۱۲ نفر فضاهای جدید بنا را خیلی خوب ارزیابی کردند. اکثر خانه‌های مسکونی یک طبقه هستند ۹۹ نفر ارتفاع و طبقات خانه‌ی خود را خیلی کم انتخاب کردند. نحوه قرار گیری بنا و وضعیت آن نسبت به میدان و خیابان حدود ۹۱ نفر خوب و ۶۶ نفر خیلی خوب و حدود ۴۸ نفر خیلی کم دانستند. خانه‌های مسکونی جدید به نیازهای معیشتی و تولیدی آن‌ها خیلی خوب پاسخ می‌دهد که حدود ۱۴۷ نفر خیلی خوب جواب دادند. طبق نظر ۸۴ نفر اهالی خانه‌های مسکونی جدید شان پاسخ‌گوی نیازهای زیستی آن‌ها را خیلی خوب می‌دهد و حدود ۵۵ نفر خوب پاسخ داده‌اند. حدود ۱۵۲ نفر آسایش و رضایت‌مندی از بنای جدید خود را خیلی خوب ارزیابی کرده‌اند و تنها ۱۰ نفر خیلی کم رضایت داشتند.

جدول ۱. روند تغییرات کاربری و کالبد مسکن

مورد	خیلی خوب	خوب	متوسط	کم	خیلی کم
وسعت کلی بنا	۴۷	۱۰۲	۳۶	۳۶	۰
شکل فضاها	۱۲۴	۵۰	۰	۴۷	۰
تعداد اتاق‌ها	۳۶	۵۹	۶۷	۳۰	۲۹
فضاهای جدید بنا	۱۱۲	۶۸	۳	۱۶	۲۲
ارتفاع و تعداد طبقات	۱۰	۳۸	۲۶	۴۸	۹۹
نحوه قرارگیری بنا و وضعیت آن نسبت به فضاهای عمومی (میدان و معابر و...)	۶۶	۹۱	۶	۱۰	۴۸
پاسخ‌گویی به نیازهای معیشتی تولیدی (کشاورزی، دامداری و...)	۱۴۷	۱۱	۶	۱۷	۴۰
پاسخ‌گویی به نیازهای زیستی (اتاق نشیمن، میهمانی و...)	۸۴	۵۵	۲۶	۳۸	۱۸
میزان آسایش و رضایت‌مندی بنای جدید	۱۵۲	۹	۳۸	۱۲	۱۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

جدول (۲) وضعیت مساحت کاربری‌های مختلف مسکن روستای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. طبق جدول مذکور مساحت اتاق نشیمن ۱۴ خانوار کمتر از ۱۲ متر مربع و ۶۴ خانوار ۱۳ تا ۲۴ متر مربع و حدود ۶۵ خانه ۲۵ تا ۳۷ متر مربع و ۴۸ بنا بیش از ۳۸ تا ۵۰ متر مربع و ۲۰ بنا بیش از ۵۰ متر مربع می‌باشد. اتاق میهمانی ۸۸ خانوار از ۲۲۱ خانوار ۱۳ تا ۲۴ متر مربع است. در بیشتر بناهای جدید اتاق نشیمن و اتاق میهمانی آن‌ها یکی می‌باشد. مساحت اتاق نگاه‌داری اثاثیه و لوازم جانبی ۲۲۱ خانوار ۲۵ تا ۳۷ متر مربع می‌باشد که بیشتر همان پارکینگ خانه‌هاست.

جدول ۲. وضعیت مساحت کاربری‌های مختلف مسکن

مورد	کمتر از ۱۲ مترمربع	۱۳ تا ۲۴ مترمربع	۲۵ تا ۳۷ مترمربع	بیش از ۳۸ تا ۵۰ مترمربع	بیش از ۵۰ مترمربع
اتاق نشیمن	۱۴	۶۴	۶۵	۴۸	۲۰
اتاق میهمانی	۲۲	۸۸	۴۹	۲۶	۲۰
اتاق خواب‌ها	۱۰۱	۱۰۸	۴	۷	۲
اتاق نگه‌داری اثاثیه و لوازم جانبی	۸۰	۶۲	۲۲۱	۶	۵
آشپزخانه	۱۰۳	۸۸	۹	۳	۸
سرویس بهداشتی	۱۸۷	۱۲	۱۰	۸	۲
انبار محصولات	۲۴	۱۰	۴	۲	۱۰
نگه‌داری دام (طویله)	۰	۰	۰	۰	۰
حیاط بنا	۶۲	۴۶	۱۶	۱۲	۷۵
باغچه	۵۸	۲۴	۳	۱۰	۲۲
کارگاه قالببافی و...	۶	۱	۳	۳	۱۰
سایر فضاها	۳۸	۲۵	۴	۲	۶

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

طبق یافته‌های تحقیق (جدول ۳) اتاق نشیمن ۱۶۷ خانوار با نیازهای زیستی‌شان خیلی خوب تطبیق دارد. ۱۸۶ خانوار اتاق میهمانی آن‌ها با نیازهای زیستی‌شان خیلی خوب سازگار است. در کل فضاهای مسکن همه خانوارهای مورد مطالعه (اتاق نشیمن، اتاق میهمانی، آشپزخانه، اتاق خواب، اتاق نگهداری اثاثیه، سرویس بهداشتی، حیاط و باغچه) با نیازهای زیستی آن‌ها تطابق و سازگار می‌باشد.

جدول ۳. تطبیق مسکن جدید با نیازهای زیستی

مورد	خیلی خوب	خوب	متوسط	کم	خیلی کم
نشیمن	۱۶۷	۴۴	۱۰	۰	۰
اتاق میهمانی	۱۸۶	۲۵	۰	۰	۰
آشپزخانه	۱۹۶	۱۶	۰	۰	۹
اتاق خواب	۱۹۶	۲۵	۰	۰	۰
اتاق نگه داری اثاثیه و لوازم جانبی	۵۲	۰	۶	۰	۰
سرویس بهداشتی	۱۹۶	۱۹	۶	۰	۰
حیاط	۱۸۰	۲۵	۱۰	۶	۰
باغچه	۱۵۴	۱۶	۱۰	۶	۳۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

جدول (۴) نشان دهنده تطابق مسکن جدید با نیازهای تولیدی - اقتصادی خانوار روستایی است. طبق جدول، حدود ۳۸ مسکن جدید خانوار با انبار محصولات زراعی و باغی تطابق دارد و درصد پایین گزینه‌های خوب و متوسط و کم جدول مذکور نشان دهنده نداشتن انبار محصولات زراعی و باغی و طویله و کاه‌دان مسکن‌های جدید روستاییان است.

جدول ۴. تطبیق مسکن جدید با نیازهای تولیدی - اقتصادی

مورد	خیلی خوب	خوب	متوسط	کم	خیلی کم
انبار محصولات زراعی	۳۸	۱۰	۱۷	۶	۲۰
انبار محصولات باغی	۳۸	۱۰	۹	۶	۲۸
نگه داری دام (طویله)	۲۶	۲۲	۹	۶	۲۰
کاه‌دان	۲۸	۲۵	۹	۶	۲۰
کارگاه قالبیافی	۳۱	۳۲	۹	۶	۱۰
سایر موارد تولیدی	۳۲	۱۲	۱۹	۶	۱۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت فاضلاب چندان مناسب نیست. حدود ۱۱۸ خانوار از وضعیت فاضلاب مسکن خود رضایت ندادند. ۱۷۷ خانوار کیفیت آب آشامیدنی خود را خیلی کم ارزیابی کردند. ۵۲ خانوار مسکن جدید خود را امن دانستند. ۱۶۷ خانوار دفع زباله را نسبت به مسکن قبل تفاوت چندانی نکرده‌اند. ۱۵۲ خانوار مسکن جدید را مقاوم در برابر حوادث ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۵. وضعیت مسکن جدید از لحاظ امکانات و کیفیت

مورد	خیلی خوب	خوب	متوسط	کم	خیلی کم
وضعیت فاضلاب	۳۸	۴۵	۱۰	۱۰	۱۱۸
آب آشامیدنی، برق و...	۹	۹	۱۹	۱۰	۱۷۷
ایمنی مسکن جدید	۵۲	۳۳	۱۰	۳۸	۸۸
دفع زباله	۶	۴	۲۹	۱۵	۱۶۷
مقاوم سازی	۱۵۲	۱۵	۱۰	۰	۴۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

خانوارهای مورد مطالعه از الگوی مسکن جدید خود رضایت‌مندی زیادی دارند. ۷۷ خانوار بافت مسکونی محله خود را خیلی خوب و ۷۶ خانوار خوب دانستند. ۱۲۳ خانوار از مساحت و شکل مسکن جدید خود خیلی خوب رضایت دارند. مسکن جدید متناسب با نیازهای معیشتی و زیستی آن‌ها می‌باشد.

جدول ۶. رضایت‌مندی روستائیان از الگوی جدید مسکن

مورد	خیلی خوب	خوب	متوسط	کم	خیلی کم
بافت مسکونی محله	۷۷	۷۶	۱۸	۲۸	۲۲
مساحت، شکل و...	۱۲۳	۷۶	۰	۲۲	۰
متناسب با نیازهای معیشتی	۲۹	۱۲	۲۸	۰	۳۱
متناسب با نیازهای زیستی	۱۶۱	۳۰	۱۰	۲۰	۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

۲-۵. یافته‌های تحلیلی - استنباطی

در بررسی وضعیت و روند شاخص‌های هر فرضیه، تطبیق مسکن جدید با نیازهای زیستی با میانگین $4/26$ از بیشترین میانگین برخوردار می‌باشد و فرضیه اول با میانگین $3/63$ (روند افزایشی تغییرات کاربری - کالبدی مسکن) و فرضیه پنجم (رضایت‌مندی روستائیان از الگوی جدید مسکن) بترتیب از بیشترین میانگین برخوردار هستند.

جدول ۷. وضعیت و روند شاخص‌های هر فرضیه

مورد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
فرضیه اول (روند تغییرات کاربری و کالبد مسکن)	۲/۴۴	۵/۰۰	۳/۶۳	۰/۵۸۰
فرضیه دوم (وضعیت مساحت کاربری‌های مختلف مسکن)	۰/۴۲	۲/۴۲	۱/۲۶	۰/۴۰۳
فرضیه سوم (تطبیق مسکن جدید با نیازهای زیستی)	۲/۷۵	۵/۰۰	۴/۲۶	۰/۵۵۵
فرضیه چهارم (تطبیق مسکن جدید با نیازهای تولیدی اقتصادی)	۰/۰۰	۵/۰۰	۱/۳۴	۱/۸۴۵
فرضیه پنجم (رضایت‌مندی روستائیان از الگوی جدید مسکن)	۱/۷۵	۵/۰۰	۳/۴۹	۰/۷۳۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

فرض اول: به نظر می‌رسد که روند تغییرات نسبت به قبل در انواع عناصر مسکن جدید زیاد بوده است. در بررسی فرضیه این سوال، از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. حال اگر فرض کنیم که:

H_0 میانگین واقعی روند زیاد تغییرات مسکن نسبت به قبل در انواع عناصر می‌باشد، چون متغیر تحت بررسی مقادیری بین ۱ تا ۵ را به خود اختصاص داده، مقادیر بالاتر از ۳ را به عنوان روند افزایشی (H_1) و مقادیر کمتر یا مساوی ۳ را به عنوان روند کاهش (H_0) در نظر می‌گیریم. بر اساس نتایج (جدول ۸)، از آن جا که سطح معناداری به دست آمده برابر با $0.05 = \alpha$ در سطح 0.03 بوده، فرض صفر یعنی روند کند تغییرات الگوی جدید مسکن نسبت به قبل در انواع عناصر پایین‌تر از ۳ را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم. بر این اساس می‌توان گفت تغییرات الگوی جدید مسکن نسبت به قبل در انواع عناصر، دارای روند شدیدی می‌باشد. از طرف دیگر بازده اطمینان با توجه به اینکه بین ۰.۵۵ و ۰.۷۰ می‌باشد و عدد صفر را در بر نمی‌گیرند، این موضوع را تایید می‌کند. به عبارت دیگر نتایج آزمون t تک نمونه‌ای ($t=16.12$) روند تغییرات الگوی جدید مسکن نشان می‌دهد که این تفاوت میانگین 0.62 از لحاظ آماری معنی دار است؛ لذا فرضیه تحقیق تأیید می‌شود و با توجه به میانگین مشاهده شده، نتیجه گرفته می‌شود که روند تغییرات الگوی جدید مسکن نسبت به قبل در انواع عناصر، زیاد بوده است.

جدول ۸. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای فرض اول تحقیق

سطح معناداری آزمون	بازده اطمینان		درجه آزادی	آماره t	اختلاف میانگین
	کران بالا	کران پایین			
۰/۰۰۳	۰/۷۰	۰/۵۵	۲۲۰	۱۶/۱۲	۰/۶۲

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

فرض دوم: به نظر می‌رسد که مساحت عناصر مختلف مسکن جدید مطلوب می‌باشد. در بررسی فرضیه این سوال، از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. حال اگر فرض کنیم که:

μ میانگین واقعی مطلوبیت مساحت عناصر مختلف مسکن جدید می‌باشد، چون متغیر تحت بررسی مقادیری بین ۱ تا ۵ را به خود اختصاص داده، مقادیر بالاتر از ۳ را به عنوان تطابق مساحت عناصر مسکن جدید (H_1) و مقادیر کمتر یا مساوی ۳ را به عنوان عدم تطابق مساحت عناصر مسکن جدید (H_0) در نظر می‌گیریم. بر اساس نتایج، از آن جا که سطح معناداری به دست آمده برابر با ۰/۰۰۲ در سطح $\alpha = 0.05$ بوده، فرض صفر یعنی عدم مطلوبیت کمتر یا مساوی ۳ را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم. از طرف دیگر بازده اطمینان با توجه به اینکه بین (۱/۷۸) و (۱/۶۸) می‌باشد و عدد صفر را در بر نمی‌گیرند، این موضوع را تأیید می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت که مساحت عناصر مختلف (اتاق نشیمن (هال)، اتاق پذیرایی، آشپزخانه و...) مسکن‌های جدید مطلوب و کافی می‌باشد.

جدول ۹. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای فرض دوم تحقیق

سطح معناداری آزمون	بازده اطمینان		درجه آزادی	آماره t	اختلاف میانگین
	کران بالا	کران پایین			
۰/۰۰۲	۱/۶۸	۱/۷۸	۲۲۰	۶۳/۹۴	۱/۷۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

فرض سوم: بین الگوی جدید مسکن و تطبیق با نیازهای زیستی رابطه معناداری وجود دارد. فرض کنیم که:

μ میانگین واقعی تطبیق الگوی جدید مسکن با نیازهای زیستی می‌باشد، چون متغیر تحت بررسی مقادیری بین ۱ تا ۵ را به خود اختصاص داده، مقادیر بالاتر از ۳ را به عنوان تطبیق مسکن جدید با نیازهای زیستی (H_1) و مقادیر کمتر یا مساوی ۳ را به عنوان عدم تطبیق با نیازهای زیستی (H_0) در نظر می‌گیریم. بر اساس نتایج، از آن جا که سطح معناداری به دست آمده برابر با ۰/۰۰۱ در سطح $\alpha = 0.05$ بوده، فرض صفر یعنی عدم تطابق کمتر یا مساوی ۳ را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم. از طرف دیگر بازده اطمینان با توجه به اینکه بین (۱/۱۸) و (۱/۳۴) می‌باشد و عدد صفر را در بر نمی‌گیرند، این موضوع را تأیید می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت که الگوی جدید مسکن با نیازهای زیستی تطابق دارند.

جدول ۱۰. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای فرض سوم تحقیق

سطح معناداری آزمون	بازده اطمینان		درجه آزادی	آماره t	اختلاف میانگین
	کران بالا	کران پایین			
۰/۰۰۱	۱/۳۴	۱/۱۸	۲۲۰	۳۳/۰۴	۱/۲۶

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

فرض چهارم: بین الگوی جدید مسکن و تطبیق با نیازهای اقتصادی (تولیدی- معیشتی) رابطه معناداری وجود دارد. فرض کنیم که:

μ میانگین واقعی تطابق الگوی جدید مسکن با نیازهای اقتصادی می‌باشد، چون متغیر تحت بررسی مقادیری بین ۱ تا ۵ را به خود اختصاص داده، مقادیر بالاتر از ۳ را به عنوان تطابق مسکن جدید با نیازهای اقتصادی (H_1) و مقادیر کمتر یا مساوی ۳ را به عنوان عدم تطابق مسکن جدید با نیازهای اقتصادی (H_0) در نظر می‌گیریم. بر اساس نتایج، از آن جا که سطح معناداری به دست آمده برابر با $0.03/0$ در سطح $\alpha = 0.05$ بوده، فرض صفر یعنی عدم تطابق کمتر یا مساوی ۳ را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم. از طرف دیگر بازده اطمینان با توجه به اینکه بین $(-1/90)$ و $(-1/41)$ می‌باشد و عدد صفر را در بر نمی‌گیرند، این موضوع را تأیید می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت که بین الگوی جدید مسکن با نیازهای اقتصادی (تولیدی- معیشتی) تطابق وجود دارد.

جدول ۱۱. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای فرض چهارم تحقیق

سطح معناداری آزمون	بازده اطمینان		درجه آزادی	آماره t	اختلاف میانگین
	کران بالا	کران پایین			
۰/۰۰۳	-۱/۴۱	-۱/۹۰	۲۲۰	-۱۳/۳۳	-۱/۶۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

فرض پنجم: به نظر می‌رسد که روستاییان از الگوی جدید مسکن رضایت دارند. فرض کنیم که:

μ میانگین واقعی رضایت‌مندی روستاییان از الگوی جدید مسکن می‌باشد، چون متغیر تحت بررسی مقادیری بین ۱ تا ۵ را به خود اختصاص داده، مقادیر بالاتر از ۳ را به عنوان رضایت‌مندی از مسکن جدید (H_1) و مقادیر کمتر یا مساوی ۳ را به عنوان عدم از نا رضایتی از مسکن جدید (H_0) در نظر می‌گیریم. بر اساس نتایج، از آن جا که سطح معناداری به دست آمده برابر با $0.01/0$ در سطح $\alpha = 0.05$ بوده، فرض صفر یعنی عدم رضایت کمتر یا مساوی ۳ را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم. از طرف دیگر بازده اطمینان با توجه به اینکه بین (0.39) و (0.59) می‌باشد و عدد صفر را در بر نمی‌گیرند، این موضوع را تأیید می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت که روستاییان از الگوی جدید مسکن خود از قبیل (بافت مسکونی محله، مساحت و شکل مسکن خود، و تطابق با نیازهای زیستی و اقتصادی) رضایت دارند.

جدول ۱۲. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای فرض پنجم تحقیق

سطح معناداری آزمون	بازده اطمینان		درجه آزادی	آماره t	اختلاف میانگین
	کران بالا	کران پایین			
۰/۰۰۱	۰/۵۹	۰/۳۹	۲۲۰	۹/۸۹	۰/۴۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

۶. بحث و نتیجه گیری

ریخت شناسی سکونتگاه‌های روستایی، در واقع حاصل فرآیندی تاریخی از تأثیرپذیری و تأثیر گذاری مجموعه‌ی عوامل و عناصر مکانی- فضایی اعم از طبیعی - اکولوژیکی، اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و... بر یکدیگر است. سکونتگاه‌های روستای ده‌چشمه نیز تحت تأثیرپذیری این عوامل قرار گرفته است؛ در گذشته الگوی روستای ده‌چشمه به صورت

متمرکز و به دو شکل محله بالا و محله پایین بوده طی گذشت زمان به صورت خطی - ریسمانی در آمده است. تقریباً حدود ۳۵ سال پیش در روستای ده‌چشمه از مصالح بومی چون چوب و خشت که مردم خود روستا با گل و قالب درست می‌کردند استفاده می‌شد. اما امروزه خانه‌هایی که در این روستا ساخته می‌شوند با خانه‌های بومی و سنتی کاملاً تفاوت دارند. امروزه با بالا رفتن سطح درآمد روستاییان و به نام نامعقول بودن و نامقاوم بودن مصالح بومی (چوب، خشت) از مصالح غیر بومی (آجر، تیر آهن و...) استفاده می‌شود. از دست دادن هویت فرهنگی و بومی مردمان در این مناطق با ایجاد این شکل از خانه نتیجه تغییر الگوی مسکن است. به طور کلی پلان مسکن‌های جدید با مسکن‌های قدیم فرق دارند در گذشته ۴ اتاق که از طریق یک در کوچک داخل اتاق بهم ربط پیدا می‌کردند و مطبخ و طویله یا در زیر اتاق‌ها در طبقه اول قرار می‌گرفتند یا در گوشه حیاط بودند.

نتایج این تحقیق نشان داد که روند تغییرات جدید مسکن نسبت به قبل در انواع عناصر از قبیل وسعت کلی بنا، شکل فضاها، تعداد اتاق‌ها، فضاهای جدید بنا مثل هال، پارکینگ، وضعیت بنا نسبت به فضاهای عمومی (میدان و معابر) دارای یک روند شدیدی می‌باشد شبکه معابر (معابر اصلی درجه ۲، معابر فرعی درجه ۱) مسکن‌های جدید نسبت به قبل تحت نظارت دهیاری عریض‌تر و استانداردتر می‌باشد و همچنین مساحت کاربری‌های مختلف مسکن جدید مثل اتاق نشیمن، اتاق خواب، آشپزخانه و سرویس بهداشتی و... مطلوب و مورد دلخواه خانوار می‌باشند با توجه به رونق الگوی خانوارهای هسته‌ای و جدایی‌گزینی قومی - اکولوژیکی و همچنین برقراری امنیت و در نتیجه گستردگی کالبد در سطح، مساحت عناصر مسکن‌های جدید افزایش یافته و رضایت‌مندی خانوار را از این افزایش مساحت نسبت به قبل که در خانه‌های چند هسته‌ای که یک اتاق بیشتر نداشتند را به دنبال دارد. با توجه به نتایج بدست آمده الگوی جدید مسکن با نیازهای زیستی و معیشتی خانوار تطابق و سازگاری دارد؛ ساختار اقتصادی غالب در شرایط فعلی بسته به غلبه‌ی اقتصاد مبتنی بر کشاورزی (زراعت و باغداری، دامداری و دامپروری)، صنعت و معدن یا خدمات و بازرگانی ساختار و کارکرد مسکن روستایی در پاسخ به نیازهای مسکونی - معیشتی و خدماتی آن اقتصاد غالب به گونه‌ای متفاوت شکل می‌گیرد و متناسب به این نیازهای اقتصادی - معیشتی و نیازهای زیستی خانوار روستایی شکل گرفته است. روستاییان از الگوی جدید مسکن از قبیل بافت مسکونی محله، مساحت و شکل محله و مسکن و همچنین متناسب بودن با نیازهای زیستی و معیشتی رضایت دارند یکی از دلایل این امر را می‌توان آزادی عمل در انتخاب زمین مسکونی، انتخاب پلان و نقشه‌ی مورد دلخواه اعضای خانوار و حتی انتخاب سنگ و سرامیک و دیگر تزیینات جانبی ساختمان توسط همه‌ی اعضای خانوار اشاره کرد. جهت‌گیری مناسب خانه‌هایی روستای ده‌چشمه با عنایت به برخی از مؤلفه‌های طبیعی - اکولوژیکی مانند زاویه تابش خورشید، جهت وزش بادهای غالب و... در جهت جنوب و جنوب غرب شکل گرفته‌اند تا هم از حداکثر زاویه تابش بهره‌مند شوند و هم در برابر قبله استقرار یافته باشند. به طور کلی بایستی بیان نمود که تغییرات الگوی مسکن وجود دارد و این موجودیت در چارچوب تغییرات کالبدی مساحت، شکل، مصالح مورد استفاده، بافت، و غیره گنجانده می‌شود. در واقع تغییرات ساختاری و کارکردی در محیط روستا - شهر مورد مطالعه به وجود آمده است.

در راستای نتایج تحقیق، پیشنهادهایی به شرح زیر مطرح می‌شود:

- تشویق و اعطای وام با سود کم برای متقاضیان دارای مسکن‌های کم دوام؛
- آسفالت معابر اصلی درجه دوم و معابر فرعی محله‌ها، زیرا روستاییان در زمستان با مشکلات زیادی روبرو می‌شوند؛
- استفاده از مصالح و عایق‌های حرارتی برای بهینه کردن مصرف انرژی؛
- توجه به سیستم فاضلاب که صورت نامطلوبی به بافت مسکونی این روستا داده است؛
- تصفیه آب آشامیدنی روستا که نسبت به گذشته تفاوتی نکرده است.
- تجدید نظر در برخی کاربری‌ها در راستای توسعه تولیدی روستا - شهر مورد مطالعه.
- استفاده از تیپ مسکن و معماری بومی و خاص منطقه کوهستانی مورد مطالعه.

۷. منابع

۱. بشیری، اکرم، ۱۳۸۸، الگوی مسکن‌های روستایی در سیستان و بلوچستان، اولین کنفرانس ملی روستا و توسعه کالبدی، زاهدان.
۲. بهرامی، رحمت الله، ۱۳۸۹، در تحقیقی تحت عنوان تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی استان کرمانشاه و رهیافت‌هایی برای مقاوم سازی، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای (دانشگاه پیام نور)، شماره ۲، صص ۷۶-۶۳.
۳. زرگر، اکبر، ۱۳۸۳، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، نشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۴. ستارزاده، داوود، ۱۳۸۸، بررسی شاخص‌های جمعیتی مسکن ایران ۱۳۸۵، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۷ و ۶۸ سازمان ثبت و احوال کشور، تهران.
۵. دلال پور محمدی، محمدرضا، ۱۳۷۹، برنامه‌ریزی مسکن، چاپ اول، سمت، تهران.
۶. سعیدی، عباس، ۱۳۷۳، الزامات اجتماعی- اقتصادی در ساخت و ساز مسکن روستایی، مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، جلد اول، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، صص ۵۳۷-۵۱۱.
۷. شفاهی، مینو و مدنی، رامین، ۱۳۹۰، تبیین روش تحقیق زمینه یابی در طراحی الگوی مسکن روستایی، نشریه آرمان شهر، شماره ۷، صص ۳۰-۱۷.
۸. شمس‌الدینی، علی، ۱۳۸۷، جایگاه مسکن روستایی در تاثیرپذیری تغییرات کالبدی- فضایی روستاها از محیط‌های شهری، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۲۴، صص ۵۱-۴۰.
۹. طالب، مهدی و عنبری، موسی، ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی روستایی با ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۰. عزیززی، محمد مهدی، ۱۳۸۴، تحلیل بر جایگاه و دگرگونی شاخص‌های مسکن شهری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳، صص ۳۴-۲۵.
۱۱. غفاری، غلامرضا و ابراهیمی، عادل، ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، چاپ اول، نشر آگرا لویه، تهران.
۱۲. فاضل‌نیا، غریب؛ کیانی، اکبر؛ علی خسروی، محمود و بندانی، میثم، ۱۳۹۰، بررسی انطباق الگوی بومی توسعه کالبدی- فیزیکی روستای تمبکاء شهرستان زابل با جهت حرکت طوفان‌های شن و ماسه، نشریه مسکن و محیط، شماره ۱۳۶، صص ۱۶-۳.
۱۳. قاسمی اردهائی، علی، ۱۳۸۷، بررسی تطبیقی وضعیت رفاه در خانواده‌های شهری و روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۲، صص ۲۰-۱.
۱۴. قاسمی اردهائی، علی و رستمعلی‌زاده، ولی اله، ۱۳۹۱، اثرات وام مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۹، صص ۸۴-۶۷.
۱۵. فاضلی، نعمت الله، ۱۳۸۶، مدرنیته و مسکن، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، صص ۷۷-۶۱.
۱۶. قنبری، یوسف، ۱۳۷۴، تحلیلی بر تغییر الگوی مسکن روستایی شمال ایران، نمونه موردی شهرستان تنکابن، مجموعه مقالات دومین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، جلد دوم، وزارت مسکن و شهرسازی، صص ۱۹۱-۱۸۳.
۱۷. کلهرنیا، بیژن، ۱۳۸۷، فرآیند دستیابی به الگوهای بهینه مسکن روستایی، اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های سنتی زاگرس، دانشگاه کردستان سنندج، ایران، ۱۴-۱۲ اردیبهشت.
۱۸. گلپایگانی، عبدالعلی؛ خانجانی، نرگس و زیدآبادی، اعظم، ۱۳۹۲، در تحقیقی تحت عنوان طرح مسکن روستایی و تاثیر آن بر شاخص‌های بهداشتی و ایمنی مسکن، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۴، صص ۵۹-۴۸.
۱۹. لطیفی، احمدرضا و معتمدیان، هادی، ۱۳۸۵، نگرشی بر مسکن روستایی ایران و بازسازی و مقاوم سازی آن، اولین همایش ملی مدیریت بحران زلزله در شهرهای دارای بافت تاریخی.
۲۰. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، سرشماری نفوس و مسکن، تهران.

۲۱. موسوی، بی بی اعظم و صالحی، فرحناز، ۱۳۸۴، **بررسی ابعاد اجتماعی الگوهای سنتی و جدید در مسکن روستایی**، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۲، صص ۴۳-۲۸.
22. Bonnefoy X., 2003, **Inadequate housing and health: an overview**, International Journal of Environment and Pollution, 30(3), 411-429.
23. Choguill, Charles.L., 2007, **The search for policies to support sustainable housing**, Habitat international, 31, pp143-149.
24. Hashem nejad, h and Molanaei, salah-al-din., 2009, **Architecture with a view of the sky: rural habitats-especial structure in rural zagros architecture**, journal of arts, 36, pp17-26.
25. Knapp, E., 1984, **Housing problem in third world**, university of Stuttgart.
26. Lawrence RJ., 2010, **Housing and health promotion: moving forward**, International Journal of Public Health, (3), 145-146.

